



مطالبه‌های دست نیافته پرستاران و ادامه مبارزه!

در روزهای اخیر علاوه بر تجمع‌های اعتراضی کارکنان شرکتی مراکز خدمات جامع سلامت استان قم در مقابل دانشگاه علوم پزشکی و

ساختمان استانداری قم با خواسته حذف مراکز خصوصی بهداشت و عقد قرارداد مستقیم، ما همچنین تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات در برابر وزارت ارتباطات در تهران - و مطابق معمول روزهای یکشنبه، برگزاری تجمع‌های اعتراضی بازنشستگان صندوق فولاد در شهرهای اصفهان، اهواز، و دامغان را شاهد بودیم و هم‌زمان با آن‌ها، تجمع‌های اعتراضی پرستاران در هفته‌های اخیر در نقاط مختلف کشور همچنان ادامه داشته‌اند. رژیم ولایی به‌رغم کمبود شدید تعداد پرستاران در مراکز درمانی کشور با عدم استخدام فارغ التحصیلان پرستاری که آماده کار هستند عملاً لشکر بزرگی از پرستاران بیکار، را ایجاد کرده و توانسته به بهره‌کشی خشنی از پرستاران کشور دست بزند. معاون سرمایه‌آسانی سازمان

اداری و استخدامی کشور روز ۱۱ آذرماه ۱۴۰۰ از وجود "بیش از ۱۷ نوع ادامه در صفحه ۳"



شماره ۵۴، ۱۳ دی ماه ۱۴۰۰

لزوم تشکل سندیکایی در مبارزات جاری به بحثی جدی در میان فعالان جنبش کارگری کشور تبدیل شده و ضرورت دستیابی به سازمان پایه کارگران یعنی سندیکا در پی اعتصاب و اعتراض‌های اخیر از جمله اعتراض سراسری تحسین برانگیز فرهنگیان اهمیت یافته است. به موازات توجه زحمتکشان به این واقعیت شاهد آنیم که تشکل‌های زرد حکومتی که از آن‌ها در مقام تشکل‌های رسمی نام برده می‌شود بیش‌ازپیش نزد زحمتکشان کشور منزوی شده و توانایی مانورشان را از دست می‌دهند.

چرا تشکل‌های «رسمی» نماینده کارگران نیستند!؟

رژیم استبدادی حاکم بر میهن ما از یک سو با حذف گام‌به‌گام بخش‌های هرچند اندک باقی‌مانده از قوانین حمایتی مندرج در قانون کار و از سوی دیگر با تقویت تشکل‌های زرد حکومتی و زیر کنترل‌شان مانند شوراهای اسلامی کار یا انجمن‌های صنفی، عملاً حق ایجاد سندیکاهای واقعی را به رسمیت نمی‌شناسد. این اقدام رژیم نقض خشن حقوق بنیادین کار و زیر پا گذاشتن منشور جهانی حقوق سندیکایی است. علاوه بر این‌ها، حکومت جمهوری اسلامی با بازداشت و پیگرد و اعمال فشار به فعالان و نمایندگان واقعی کارگران، هرگونه فعالیت مستقل سندیکایی را سرکوب می‌کند.

قانون شوراهای اسلامی کار که در سال‌های دهه خونین ۱۳۶۰ به تصویب رسید، حق تشکل‌یابی کارگران مطابق با منشور جهانی حقوق سندیکایی و مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین‌المللی کار را نادیده می‌گیرد. در قوانین جاری حکومت جمهوری اسلامی - به‌طور مثال تبصره ۴ ماده ۱۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی - فقط سه گونه تشکل‌یابی یعنی: شوراهای اسلامی کار، انجمن صنفی، و نماینده کارگر به رسمیت شناخته می‌شوند. این درحالی است که در منشور جهانی حقوق سندیکایی - ذیل ماده یک - بر حق کارگر برای تشکل‌یابی سندیکایی بدون اجازه و نظارت مقام‌های دولتی و کارفرمایی با صراحت تأکید شده است. همچنین در ماده دو ذیل آزادی فعالیت سندیکاهای کارگری آمده است: "اعضای سندیکاهای، اساسنامه و آیین‌نامه مربوط به سندیکا و چگونگی و حدود فعالیت آن‌ها را باید خود تدوین کنند و بدون هیچ‌گونه محدودیت رهبران و مسئولان سندیکاهای خود را برگزینند. به این ترتیب، رژیم مستبد حاکم بر میهن ما تا کنون برخلاف منشور حقوق سندیکایی و مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین‌المللی عمل کرده است و از حق انتخابات آزاد و دموکراتیک کارگران در کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، و ادارات که در آن نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان باید برگزیده شوند، به شدت ممانعت کرده است و می‌کند.

حضور نماینده کارفرما در مقام یکی از اعضای تشکل دهنده شورای اسلامی کار، معنای واقعی و یک تشکل کارگری را که باید از منافع کارگران و زحمتکشان دفاع کند از محتوای واقعی و طبقاتی اش تهی ساخته و تشکل را به ارکانی گوش به فرمان حکومت تبدیل کرده است. مطابق قوانین موجود رژیم، تشخیص صلاحیت کاندیداهای عضویت در شوراهای اسلامی کار در چارچوب شرایط مذکور در ماده فوق به‌عهده هیئتی مرکب از: نماینده وزارت کار، نماینده وزارتخانه مربوطه [وزارت کار]، و نماینده منتخب مجمع کارکنان می‌باشد و حضور نماینده کارفرما در مقام یکی از اعضای تشکل دهنده شورای اسلامی کار در قانون آمده است. بر پایه این قوانین ارتجاعی و ضد کارگری است که تشکل‌های زرد همچون زائده‌ای حکومتی نه اراده‌ای و نه توانایی‌ای برای دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان ندارند.

ادامه در صفحه ۳

ضرورت سازمان‌دهی، همبستگی، و احیای حقوق سندیکایی در جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان

دور جدید اعتصاب و اعتراض گسترده و سراسری فرهنگیان در هفته‌های اخیر که می‌توان آن را گامی بسیار امیدوارکننده در جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان به‌شمار آورد، ضرورت سازمان‌دهی و حق تشکل‌یابی مستقل زحمتکشان را به بحثی جدی در مقطع زمانی کنونی تبدیل کرده است. به‌ویژه باتوجه به طرح‌های ضدکارگری‌ای که در دولت و مجلس با اشاره ولی فقیه تدوین گردیده - مانند طرح دوفوریتی حمایت از کارخانجات در مجلس که حق بیمه کارگران را به کلی پامال می‌سازد و نیز طرح اصلاح قانون کار - این بحث اهمیتی بیش‌تر کسب می‌کند. افزون بر این، ژرفش شکاف طبقاتی و گسترش فقر همراه با سیاست اعمال اختناق که کاسه صبر توده‌های مردم را لبریز کرده و واکنش اعتراضی طبقه و لایه‌های اجتماعی گوناگون را بیش از پیش برانگیخته این ضرورت را عاجل‌تر کرده است. در همین حال حکومت جمهوری اسلامی و دولت برگزیده ولی فقیه با بحران همه‌جانبه‌ای

دست به‌گریبان ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد
ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، سرکوب حقوق صنفی و برای تشکل سندیکاهای
مستقل کارگری!



سازمان دهی، ابراز همبستگی، و احیای حقوق سندیکایی در پیوند با جنبش سراسری ضد دیکتاتوری و وظیفه درنگ ناپذیر فعالان و مبارزان جنبش کارگری و سندیکایی میهن ما



میان توده‌های کارگر و فعالان سندیکایی‌اند. اما این مانع‌ها غلبه‌ناپذیر نیستند و باید یادآوری کنیم که در اثر تلاش پیگیرانه سندیکالیست‌های راستین، در شیوه‌های غلبه بر این مانع‌ها گام‌هایی ارزنده به‌پیش برداشته شده‌اند. باوجود برداشته شدن این گام‌های مثبت، گماکان با حل معضل فاصله داریم.

با رشد بحران در همه عرصه‌ها و ناکارآمدی نسخه‌های پیچیده شده از سوی رژیم برای برون‌رفت از بحران مزمن و فزاینده که وجهی از آن در لایحه بودجه سال آینده نمایان است، نارضایتی‌ها گسترش خواهند یافت و مبارزه جنبش کارگری اوج بیشتری خواهد گرفت. جنبش کارگری- سندیکایی برای ایفای نقش مؤثر در تحول‌های آینده که از هم‌اکنون در افق سیاسی میهن ما پدیدار شده‌اند، باید از هر باره بیشتر تجهیز، تقویت، و سازمان‌دهی شود. همچنین باید بیفزاییم که جنبش اعتراضی و اعتصاب‌های ماه‌های اخیر برخی شعارها را نیز مطرح کرده که بسیار بااهمیت‌اند. طرح خواسته‌هایی از سوی کارگران و زحمتکشان مانند: مزد مساوی در برابر کار مساوی، توقف برنامه خصوصی‌سازی، حذف پیمانکاران نیروی انسانی، لغو قراردادهای موقت، و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، یورش به قلب برنامه‌های نولیبرالی حکومت جمهوری اسلامی است. این خواسته‌ها با مضمون روشن ضدسرمایه‌داری‌شان در مقطع زمانی کنونی و در پیکار با دیکتاتوری ولایی و مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک اهمیتی اصولی دارند.

اعتصاب‌ها مدرسه مبارزه است. فردریش انگلس اعتصاب‌ها را رزمگاه و مدرسه انقلاب می‌نامید. از این روی، اهمیت اعتصاب‌ها و اعتراض‌های پراکنده در این واقعیت نهفته است که زمینه‌های عینی و ذهنی مبارزه جنبش کارگری در میدان مبارزه طبقاتی صیقل می‌یابند. بنابراین باید با تأکید بر شعار احیای حقوق سندیکایی، ارتقای سطح سازمان‌دهی، و گسترش همبستگی متقابل، جنبش کارگری و سندیکایی را تقویت کرد و از این راه در پیوند با جنبش سراسری ضد دیکتاتوری، در مصاف با رژیم ولایت فقیه و نفوذها و توطئه‌های امپریالیسم، نقش عامل مردم را تحکیم کرد. در اوضاع بحرانی کنونی، جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی ضمن مبارزه برای تأمین منافع طبقه کارگر و زحمتکشان، برخواست‌های مشترک لایه‌های اجتماعی گوناگون جامعه مانند تأمین عدالت اجتماعی، تقویت بنیه تولید ملی، حقوق و آزادی‌های دموکراتیک فردی و اجتماعی، و طرد سد اساسی پیشرفت جامعه ما یعنی ولایت فقیه تأکید کرده‌اند و می‌کنند. سازمان‌دهی، ابراز همبستگی، و احیای حقوق سندیکایی در پیوند با جنبش سراسری ضد دیکتاتوری وظیفه درنگ ناپذیر فعالان و مبارزان جنبش کارگری و سندیکایی میهن ما است.

ادامه ضرورت سازمان‌دهی، همبستگی، و

است و از پاسخ‌گویی به مطالبه‌های مردم به‌ویژه تهی‌دستان جامعه هم ناتوان است. حرکت‌های اعتراضی کارمندان، بازنشستگان، مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی، پرستاران، دهقانان، و اعتصاب‌های کارگران در چهارگوشه کشور نشان‌دهنده نارضایتی فزاینده در جامعه و آمادگی توده‌های مردم برای مبارزه و مقابله با استبداد ولایی در مقایسه با گذشته است.

جنبش اعتراضی طبقه کارگر و زحمتکشان در بطن این رویدادها ژرفش و گسترش یافته و می‌یابد. از این روی، اعتصاب‌های گسترده در مراکز صنعتی و معادن کشور و اعتصاب و اعتراض سراسری فرهنگیان که در هفته‌های اخیر شاهد آن بوده‌ایم، به‌لحاظ کمی و کیفی دیگر استثناء و رخدادهایی غیرعمده در عرصه مبارزه طبقاتی ارزیابی نمی‌شوند. میزان گستردگی اعتصاب در میان کارگران پروژه‌های صنایع نفت، کارگران معدن‌های مس، و اعتراض‌های بازنشستگان و فرهنگیان از نارضایتی شدید در میان زحمتکشان فکری و یدی و مخالفت فعال‌شان با وضعیت موجود حکایت می‌کند. این جنبش اعتراضی گسترده اما هنوز فاقد سازمان‌دهی ضرور و برخوردار نبودن از سطح لازم همبستگی، مختصه‌هایی معین دارد که توجه به آن‌ها برای ارائه راهکار مؤثر مفید خواهد بود.

نخستین مشخصه مهم در جنبش اعتراضی اخیر حضور توده‌های کارگر و دیگر زحمتکشان مانند فرهنگیان و پرستاران در اغلب حرکت‌های اعتراضی به‌ویژه اعتصاب‌ها است. وجود این واقعیت تحولی مثبت و نشانه‌ای از رشد آگاهی طبقاتی چه به‌لحاظ سیاسی و چه به‌لحاظ صنفی - سندیکایی می‌تواند باشد و بسیار پراهمیت است. نکته‌ای ظریف که باید به آن توجهی جدی کرد این است که این رشد آگاهی طبقاتی با بالا رفتن سطح سازمان‌دهی لازم هنوز انطباق نیافته است. دومین مشخصه، اعتصاب‌ها در یک رشته معین یا یک واحد صنعتی خاص یا یک شهر مشخص محدود بوده است.

سومین مشخصه ضعف سازمان‌دهی است که به نبود شکل پایه‌ای طبقاتی زحمتکشان یعنی "سندیکا" ارتباط دارد. سازمان‌دهی اعتصاب‌ها از جمله در معدن‌های مس، هفت‌تپه، و همچنین اعتصاب‌های کارگران فنی و تکنیسین‌های صنعت برق و کارگران شهرداری‌ها بدون انسجام رهبری و شکل طبقاتی‌ای سندیکایی است. ممنوعیت فعالیت سندیکاها و جایگزین شدن آن‌ها با تشکلهایی به‌نام "شورای اسلامی کار" به‌وسیله قانون ضد کارگری رژیم در این عرصه مهم، مانع‌هایی جدی در سازمان‌دهی اعتصاب‌ها به‌منظور دستیابی کارگران به حقوق و مطالبه‌هایشان است. نبود سندیکاها به‌ویژه، و برخی هدایت کردن‌ها و رهنمود دادن‌ها برای مبارزات کارگری از سوی گرایش‌های معین سندیکایی با انگیزه‌های گوناگون در چارچوب فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نیز (تاکید می‌کنیم فقط در چارچوب فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی) به امر سازمان‌دهی اعتصابات در سطح کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و ادارات دولتی و خصوصی لطمه وارد می‌سازد. این لطمه ناشی از این واقعیت است که تأکید بر فضای مجازی نه به‌عنوان ابزاری مؤثر، بلکه به‌عنوان یگانه ابزار موجود برای رهبری و هدایت اعتراض‌ها در نظر گرفته می‌شود و میزان رابطه میان توده‌های کارگر و رهبری اعتصاب‌ها را تا حد معینی کاهش می‌دهد. در عین حال، ضعف حضور سندیکاها تأثیرگذاری از سوی جریان‌های ناسالم و مشکوک وابسته به رژیم و امپریالیسم به‌هدف کنترل یا به‌انحراف کشاندن جنبش اعتراضی را امکان‌پذیر می‌سازد. برای غلبه بر ضعف‌های سازمان‌دهی و رهبری می‌باید بر این نکته محوری همچون هسته وظیفه اصلی مبارزان سندیکایی و هواداران منافع طبقه کارگر تأکید دوچندان داشت و با سازمان‌دهی خود به اعتصاب‌ها و تأمین همبستگی لازم به‌تقویت جنبش کارگری- سندیکایی کوشید. این وظیفه اصلی و عمده می‌تواند عبارت باشد از: رابطه تنگاتنگ با توده‌های کارگر، زیرا اصولاً جنبش سندیکایی بدون تکیه بر توده‌های کارگر و کلیه زحمتکشان فکری و یدی از مفهوم واقعی خود تهی می‌شود. سرکوب و جو پلیسی در کنار اعمال سیاست تطمیع و تهدید البته مانع‌هایی جدی در راه برقراری رابطه مؤثر

ادامه دفاع از آزادی‌های سندیکایی، ...

همچنان ظاهر خواهند شد. به عبارت دیگر، ما این همه‌گیری را برای مدت‌زمانی همراه داریم.

در خلال این سناریوی دشوار ما مجبور شده‌ایم برای دفاع از حقوق اندکی که داریم در برابر هجوم شرکت‌ها مقاومت کنیم. حمله‌ها به آزادی‌های سندیکایی، حق اعتصاب، و قراردادهای دسته‌جمعی و بر ضد دستمزدها تشدید شده‌اند. پیامد این وضع این است که سازمان بین‌المللی کار انجام وظیفه خود را که اطمینان حاصل کردن از رعایت همه استانداردهای بین‌المللی کار، ساعات کار، افراد بومی، آزادی‌های سندیکایی، امنیت اجتماعی، اخراج‌ها، و جز این‌هاست، متوقف کرده است. سازمان‌های بین‌المللی از سوی کارفرمایان و دولت‌های نولیبرال و همچنین سازمان بین‌المللی کار حمایت می‌شوند. نقض آزادی‌های سندیکایی ادامه دارد و آن‌ها [سازمان‌های بین‌المللی] چشم خود را می‌بندند، همان‌طور که مراکز اتحادیه‌های کارگری کشورهای توسعه‌یافته مدام مثله می‌شوند، همکارانشان هم در کلمبیا و شیلی مثله و کشته می‌شوند، قلمرو «ماپوچه‌ها» [اقوام سرخ‌پوست به‌طور عمده ساکن در شیلی] نظامی شده است، درگیری‌های دروغین وجود دارد، در گواتمالا و در بسیاری از کشورها رهبران اتحادیه‌ها در معرض آزار و اذیت قرار می‌گیرند، اما از سازمان بین‌المللی کار صدایی در نمی‌آید و شنیده نمی‌شود. ما مبارزه‌ای تاه برای دموکراتیک کردن انتخابات گروه کارگران سازمان بین‌المللی کار با انتخاباتی آزاد و دموکراتیک، متناسب و با لیست، گسترش دهیم. در این چارچوب، ما مقدمات هجدهمین کنگره فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری را آغاز کرده‌ایم و در آن باید درباره این سناریوی دشوار بحث کنیم.

این سناریوی دشوار بحث کنیم. رفا، دوستان!

ما برای شما در مناظره‌هایتان موفقیت‌های زیادی آرزو می‌کنیم، شما چیزهای زیادی برای بحث و تبادل نظر دارید، زمان‌هایی جدید فرامی‌رسند و زمان‌هایی آسان نخواهند بود، سرمایه ترفندهایی زیاد و متحدانی قدرتمند مانند چندملیتی‌ها دارد. اما باین حال وضعیت سیاسی چالش برانگیز است.

در پایان فرصت را مغتنم شمرده و به رئیس هیئت‌وزیران که ما را همراهی می‌کند، در رابطه با اینکه دولت جدید در حکومت کردن به کارگران و مردم توجه کند، آرزوها و امیدهای ما را ابلاغ می‌کنیم.

تکرار می‌کنم، برای کنگره شما موفقیت‌های فراوان آرزومندم.

[ترجمه از: سایت فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، اول آذرماه ۱۴۰۰.]

سندیکای کارکنان آموزش و علوم آلمان: قراردادهای موقت را لغو کنید!

اتحادیه آموزش و علوم آلمان (گ. ای. و) از دولت ائتلافی جدید می‌خواهد از ابتدای شروع به کار خود به تحمیل قراردادهای موقت پایان داده و در راستای به رسمیت شناختن اشتغال دائمی برای آموزگاران، فرهنگیان، و پژوهشگران در عرصه آموزش و علوم اهتمام ورزد. آندریاس کلر، معاون اتحادیه و کارشناس عرصه دانشگاهی، می‌گوید: «قراردادهای موقت که زمان آن همواره کوتاه و کوتاه‌تر می‌شود، از یک سو در دوران آموزش سنگ‌اندازی و آن را طولانی می‌کند و از سوی دیگر کسب علم را با مشکلاتی روبرو کرده است که نباید به این گونه ادامه پیدا کند. ما از دولت جدید انتظار داریم که در اولین روز حکومت، طرح و پیش‌نویسی را برای اصلاح قانون قراردادهای علمی ارائه کند. هدف از این طرح باید دائمی کردن مشاغل باشد که وظایف آن‌ها هم دائمی است، مدت‌زمان قراردادهای باید الزام‌آور باشد و حق تمدید نگهداری کودکان در مهدکودک برای سرپرست کودکان و به‌خصوص در زمان همه‌گیری ویروس کرونا فراهم شود.» آندریاس کلر همچنین از دولت ائتلافی جدید می‌خواهد که بودجه در نظر گرفته شده برای کارهای علمی، کاملاً هدفمند و در مسیر کارهای صحیح علمی به‌سود جامعه‌ها برده شود.

<https://www.unsere-zeit.de/forderung-an-ampel-163570/>

[ترجمه از: روزنامه «عصر ما»، نشریه حزب کمونیست آلمان (د. ک. پ.)، ۱۲ آذرماه ۱۴۰۰.]

ادامه مطالبه‌های دست نیافته ...

قرارداد" در کشور خبر داد که از جمله قراردادهای شرکتی و هشتادونه‌روزه نوع معمول و رایج آن‌ها در بخش درمان‌اند.

اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری یکی از خواست‌های اصلی پرستاران از ۱۴ سال قبل تا زمان حاضر بوده است. این قانون در سال ۱۳۸۶ و با رأی موافق در مجلس تصویب شد و پس از گذشت چهارده سال از این مصوبه تقریباً هر سال ضمن به‌اصطلاح تکریم از شغل پرستاری و مقام شامخ پرستار، خامنه‌ای و دیگر کارگزاران رژیم با لحنی از همدردی و تأثر به لزوم اجرای این قانون اشاره می‌کنند. بعد از مبارزه مستمر پرستاران، روز ۲۱ آذرماه خامنه‌ای با تأکید بر "ضرورت روایت حقیقی واقعیات جامعه" و جلوگیری از "روایت تحریف‌آمیز و دروغ" دشمن، گفت: "این قانون ۱۴ سال قبل تصویب شده اما متأسفانه تا روزهای آخر دولت قبل حتی آیین‌نامه‌های اجرای آن تنظیم نشده بود." این موضع خامنه‌ای ریختن اشک تمساح برای زحمتکشان است، زیرا آنچه بر سر قانون تعرفه‌گذاری پرستاران آمده محصول سیاست‌های کلی نظام است که ولی فقیه از طراحان و تأیید کننده چنین برنامه‌های ویرانگری است.

روزنامه همدلی، ۲۰ آذرماه، از کمبود ۱۰۰ هزار نفری پرستار و درخواست مهاجرت ۱۲۵۰ پرستار در سال گذشته خبر داد. همچنین دبیرکل خانه پرستار در گفتگویی با ایلنا، ۲۰ آذرماه، از جان باختن حدود ۱۵۰ نفر از پرستاران به دلیل ابتلا به ۱۹ و ابتلای "بیش از یک بار" برخی از آنان به این بیماری خبر داد. بر اساس گفته او، "ایران از این منظر در رده‌های نخست جهانی قرار دارد. او از افزایش "حدود ۳۰۰" برابری تعداد دانشجویان پرستاری در ۱۵ سال گذشته، و حدود ۱۰۰ هزار پرستار بیکار و انتظار به استخدام "لشکر انبوهی از فارغ‌التحصیلان رشته پرستاری" گزارش داد. به عبارت دیگر، برای ارزان‌سازی نیروی کار پرستاری، رژیم ولایت عمداً ده‌ها هزار پرستار بیکار ایجاد کرده است. مطابق گفته‌های دبیرکل خانه پرستار، به‌ازای هر تخت بیمارستان و بر اساس استاندارد باید ۲/۵ پرستار وجود داشته باشد؛ در صورتی که میزان پرستار نسبت به تخت در سال ۱۳۹۹ "حدود ۰/۷" بود. بنابراین، پرستاران مجبور می‌شوند "اضافه‌کاری‌های اجباری داشته باشند"، و به‌علت کمبود شدید پرستاران، بازنشستگی پیش از موعد که حق قانونی پرستاران است، در برخی دانشگاه‌ها اجرا نمی‌شود.

بر اساس گفته‌های او، در نظام فعلی بهداشت و درمان کشور "اختلاف ۱۰۰ برابری بین درآمد پزشکان و پرستاران" وجود دارد؛ و در نظام تعرفه‌گذاری فعلی، ۶۵ درصد از درآمد ۱۰۰ هزارتومانی یک عمل جراحی به جیب پزشکان سرازیر می‌شود، و بعد از توزیع سهم بیمارستان و دانشگاه علوم پزشکی و اعضای هیئت علمی، ۲۰ درصد نیز "بین کادر درمان اعم از پرستاران، نیروهای خدماتی، و بقیه پرسنل بیمارستان توزیع می‌شود." گرچه بار دیگر کارگزاران رژیم اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری را وعده داده‌اند، اما در رژیم ولایتی و مطابق شعار معروف بازنشستگان: "قطعا کف خیابان، به‌دست می‌آید حقوقمان!"

ادامه چرا تشکل‌های «رسمی» ...

دیروگاهی است که اعتماد و اعتبار تشکل‌های زرد حکومتی در بین کارگران و زحمتکشان میهن‌مان از بین رفته است. کارگران و زحمتکشان میهن‌مان بر پایه مبارزات و تجربیات ریشه‌دار در تاریخ مبارزاتی کارگری ایران و جهان و بر پایه سنت‌های درخشان و انقلابی جنبش کارگری و سندیکایی پرافتخار ایران برای احیای حقوق سندیکایی و تشکیل سندیکاهای مستقل مبارزه می‌کنند. طبقه کارگر و زحمتکشان میهن‌مان این حق طبیعی را با مبارزه‌ای پیگیر به‌دست خواهند آورد. زمان و سیر رویدادها به‌سود ارتجاع و تشکل‌های زرد حکومتی نیست.



فقط یک پرائتز، کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب‌وهوایی بدون تغییراتی عمده و تعهدی به جلوگیری یا کاهش گرمایش جهانی تا پایان رسیده است و هیچ توافقی به وجود نیامده تا کشورهای مرکزی و توسعه‌یافته از آن به‌منظور متوقف کردن این بلا که جهان را درخطر انقراض قرار داده است ابزاری فراهم کنند. کشورهای توسعه‌یافته ثروتمند شدند و اکنون نمی‌خواهند مشارکتی داشته باشند تا فجایی را

که به‌جا گذاشته‌اند از میان بردارند و همچنین متعهد نمی‌شوند که انتشار گازهای گلخانه‌ای را متوقف کنند. اکنون آن‌ها به تلاش‌شان برای ایجاد بی‌ثباتی در کوبا، ونزوئلا، و نیکاراگوئه ادامه می‌دهند. از سوی دیگر، آن‌ها به حمایت از اسرائیل در قتل عام فلسطینی‌ها ادامه می‌دهند، شرکت‌های آن‌ها همچنان به افزایش تمرکز اقتصادی ادامه می‌دهند و افزایش قدرت انحصارها و انحصارهای فراملی از آن‌ها پیشی می‌گیرد. آن‌ها صنعت جهان سوم را ویران کرده‌اند و بخشی از کشورهای توسعه‌یافته و تعداد بسیار کمی از آن‌ها به‌طرزی افتضاح‌آور سودهای‌شان را در بحبوحه همه‌گیری افزایش داده‌اند و تمرکز ثروت در دستانی اندک شمار فزونی یافته است.

درحالی که صدها هزار کارگر شغل‌شان را از دست داده‌اند، ما در هر یک از کشورهایمان مجبور شده‌ایم خدمات ضروری آب، برق، ارتباطات، حمل‌ونقل، و مواد غذایی را با جان خود و دستمزدهای فلاکت‌بارمان، و جز این‌ها، حفظ کنیم. سستی کارفرمایان و نبود اقدام‌های بهداشتی و درمانی، صدها هزار نفر از همکاران ما را به کام مرگ کشانده‌اند بدون اینکه حاکمان برای پیشگیری از آلودگی بیشتر و مرگ کارگران تدبیری کنند چندان که هرروز کارگران کماکان جان‌شان را از دست می‌دهند. استثناهایی وجود دارد، بله، اما آن‌ها فقط استثنا هستند.

در کشورهای توسعه‌یافته و در کشورهای ما، دولت‌ها زیر فشار کارفرمایان زودتر از زمان توصیه‌شده کارخانه‌ها و مراکز کاری را باز کردند که پیامدهایی فاجعه‌بار برای کارگران در ایتالیا، فرانسه، آلمان، هند، برزیل، شیلی، کلمبیا، و اکوادور داشت و درنهایت نیز همه‌گیری همچنان ادامه دارد.

در بیشتر کشورها واکسیناسیون ناچیز است. کشورهای معدودی توانسته‌اند بیش از ۵۰ درصد جمعیت‌شان را واکسینه کنند، اما باوجود این، طوری کار می‌کنند که گویی هیچ اتفاقی نمی‌افتد، درنتیجه متخصصان خاطرنشان کرده‌اند تا زمانی که بیش از ۷۵ درصد جمعیت جهان واکسینه نشوند **ادامه در صفحه ۳** موج‌های جدید عفونت‌ها و سوبه‌های جدید ویروس



دفاع از آزادی‌های سندیکایی، حق اعتصاب و قراردادهای دسته‌جمعی

سخن‌رانی رفیق خوزه آرئیز، عضو شورای رهبری فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در مراسم افتتاحیه پانزدهمین کنگره ملی "کنفدراسیون عمومی کارگران پرو" (ت.ژ.ت.پ) [CGTP]

نمایندگان کنگره پانزدهم "کنفدراسیون عمومی کارگران پرو" و رهبران مدعو اتحادیه‌های بین‌المللی! رفقا، هیئت‌رئیس کنگره، و رفقای رهبری کننده کنفدراسیون عمومی کارگران پرو!

من دروهای محبت‌آمیز فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری و دبیرکل آن را به شما ابلاغ می‌کنم، کنید، و هم‌زمان درود اتحادیه کارگری-طبقاتی شیلی که عضو هماهنگ‌کننده شیلی در فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری است را نیز بپذیرید!

همچنین من از سوی مرکز خودگردان کارگران شیلی دروهای برادرانه آن را به شما می‌فرستم!

دوستان، ما در این دو سال اخیر لحظه‌هایی دراماتیک در زندگی کارگران و بشریت تجربه کردیم، لحظه‌هایی که محصول همه‌گیری کووید ۱۹ بود و نشان داد که نظام سرمایه‌داری و سرمایه‌داری که بر کشورهای ما در دهه‌های اخیر حکومت کرده‌اند، کم یا هیچ کاری انجام ندادند تا بتوانیم سیستم‌های بهداشتی‌ای کارآمد داشته باشیم و در موقعیتی قرار بگیریم که توانایی مقابله با بیماری‌هایی جدید داشته باشیم که در نتیجه گرمایش جهانی و نبود سیاست‌های کافی به‌منظور جلوگیری از افزایش این گرمایش گریبانگیر بشریت شده است.

ناوبری‌ها رشد می‌کنند و رشد می‌کنند، نیمی از جمعیت جهان همان‌قدر در تملک خویش دارند که ۸۶ نفر از ثروتمندترین افراد دنیا در تملک خود دارند.

تقریباً نیمی از ثروت جهان در دستان یک درصد از ثروتمندترین بخش جمعیت جهان متمرکز است که مبلغ آن به ۱۱ تریلیون دلار می‌رسد و معادل ۶۵ برابر کل ثروت نیمی از جمعیت جهان است.

در ایالات متحده آمریکا، پایتخت انحصارها و سرمایه‌داری، پس از بحران مالی سال ۲۰۰۹/۱۳۸۸، یک درصد از ثروتمندترین‌ها، ۹۵ درصد از رشد را به خود اختصاص داده‌اند، درحالی که ۹۰ درصد از فقیرترین‌ها فقیرتر شده‌اند.

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۵۴
Nameh Mardom - Workers Supplement No.54

3 January 2022

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727

